

تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر استقلال هیئت مدیره

زهرا بلوریان^۱

^۱ کارشناسی ارشد، گروه حسابداری و موسسه آموزش عالی کویان، مشهد

نویسنده مسئول: زهرا بلوریان (۰۹۳۷۱۳۹۵۳۹۷) و Zahra.bolorian@gmail.com

چکیده: فعالیتهای اجتناب مالیاتی تحت تأثیر تصمیمات مدیر عامل شرکت است، لذا به نظر می رسد مدیرعامل شرکت با انگیزههایی از جمله افزایش منافع سهامداران، حفظ شهرت و افزایش پاداش، به دنبال افزایش استراتژیهای اجتناب مالیاتی است. از طرفی، زمانی که مدیرعامل دارای دانش مالی (دارای مدرک حسابداری و مالی) باشد، قدرت بالاتری برا شناسایی رویههای اجتناب مالیاتی دارد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط بین دانش مالی مدیرعامل با اجتناب مالیاتی با بررسی نقش تعدیلی استقلال هیأت مدیره است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۸ می باشد. برای آزمون فرضیههای پژوهش از رگرسیون خطی چندگانه براساس دادههای ترکیبی استفاده شده است. یافتههای پژوهش نشان می دهد که بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، در شرکتهایی که مدیرعامل دارای تخصص مالی بوده است، فعالیتهای اجتناب مالیاتی بیشتر بوده است. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که استقلال هیأت مدیره رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تقویت می کند. در حقیقت، در شرکت هایی که اعضای مستقل در هیأت مدیره بیشتر بوده است، ارتباط بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی تقویت می شود.

کلمات کلیدی: اجتناب مالیاتی، دانش مالی مدیرعامل، استقلال هیأت مدیره.

۱. مقدمه

از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهشها مورد توجه است، بحث اجتناب مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می شود. اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است [۱]. اجتناب مالیاتی رفتاری قانونی است، یعنی عوامل اقتصادی با استفاده از روزههای قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می کنند بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. به عنوان مثال، اگر بر فعالیتی چون فروش کالا، مالیات بر ارزش افزوده وضع شود. حال اگر فروشنده ای برای پرداخت مالیات کمتر، کالای کمتری بفروشد، رفتار وی بر پایه اجتناب از مالیات است. پرداخت مالیات سبب خروج جریانهای نقدی شرکت می شود. به همین منظور سرمایه گذاری در برنامه های مالیاتی همیشه در قانون توجه مدیران شرکتها بوده است. این برنامه ها می توانند دامنه ای از سیاست های محافظه کارانه ای مالیاتی مانند ابزارهای مالی، تا سیاست های متهورانه ای مالیاتی همچون راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات را پوشش دهند [۲]. آرمسترانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۵) نشان دادند که اجتناب مالیاتی را می توان به عنوان یک راه کار جایگزین برای فرصت های سرمایه گذاری پر ریسک در نظر گرفت. اجتناب مالیاتی می تواند دارای دو اثر متضاد بر ارزش شرکت باشد. اجتناب مالیاتی می تواند با صرفه جویی نقدی ناشی از کاهش خروجی وجوه نقد، ارزش شرکت را افزایش دهد ولی در مقابل آن می تواند منجر به افزایش هزینه سرمایه شرکت نیز شود زیرا بازار سرمایه عموماً نمی تواند بین اجتناب مالیاتی (به عنوان یک راه کار قانونی کاهش مالیات) و فرار مالیاتی (یک روش غیر قانونی نپرداختن مالیات که منجر به تعقیب قضایی نیز خواهد شد) تمایز قائل شود و نرخ هزینه سرمایه را برای شرکت هایی که اجتناب مالیاتی انجام می دهند، بالاتر در نظر می گیرد. شرکتها شکل های مختلفی از برنامه ریزی مالیاتی را برای کاهش بدهی های مالیاتی مورد انتظار خود بکار می گیرند. با این حال، این مزایای مورد انتظار بدون هزینه نیست. این هزینه های شامل نیروی کار مستقیم و ضرورت سیستم های اطلاعاتی برای انجام برنامه ریزی مالیاتی و همچنین، هزینه های مورد انتظار مذاکرات و مجازات ناشی از تعامل با مقامات مالیاتی می باشد [۴ و ۵]. دیرنگ و همکاران^۲ (۲۰۱۰) دریافتند که اثرات مدیران ارشد می تواند عامل مهمی در اجتناب مالیاتی شرکتها باشد. محرک و انگیزه اصلی این پژوهش بررسی تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر اجتناب مالیاتی می باشد. دو کانال احتمالی وجود دارد که چگونه دانش مالی مدیرعامل، اجتناب مالیاتی را تحت تأثیر قرار می دهد. اول، طبق تئوری نمایندگی، مدیران به دنبال حداکثرسازی منافع خود در شرکت هستند. آنها به دنبال رویه هایی هستند تا ضمن مدیریت سود رو به بالا، سود خالص پس از کسر مالیات را افزایش داده و پاداش خود را بیشتر کنند. از آنجا که مالیات عملکرد به عنوان درصدی از سود شرکت اعمال و به اداره مالیات پرداخت می شود، به دنبال روش هایی هستند تا میزان مالیات را کاهش و سود را بیشتر جلو داده و پاداش خود را افزایش دهند. در این راه، مدیرانی که دارای دانش مالی هستند به دنبال بهترین راه کار و کم خطرترین هستند که اجتناب مالیاتی به عنوان یک راهبرد مهم برای مدیران با دانش مالی مطرح است که با اعمال آن می توان میزان مالیات را کاهش داد. دوم، مدیران همواره به دنبال افزایش شهرت خود و افزایش ثروت مالکان شرکت هستند. مالیات به عنوان خروجی منابع شرکت مطرح است که می تواند ثروت مالکان را کاهش دهد. لذا، مدیران به دنبال کاربرد رویه هایی هستند تا ضمن جلوگیری از خروج بدون فایده منابع شرکت، ثروت سهامداران را افزایش دهند. یکی از راه هایی که مدیران می توانند علاوه بر افزایش ثروت سهامداران، منافع خود را نیز بیشتر کنند، اجتناب مالیاتی است. مدیرانی که دارای دانش مالی هستند قدرت بیشتری برای شناسایی فرصت های اجتناب مالیاتی دارند [۷].

¹ Armstrong et al

² Dyreng et al

این پژوهش همچنین به دنبال بررسی اثر تعدیلی سازوکارهای نظارتی (استقلال هیأت مدیره) بر رابطه بین دانش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی است. از مسائل مهمی که در سال‌های اخیر در پی رسوایی‌های گسترده مالی در سطح شرکتهای بزرگ مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و به‌عنوان یکی از موضوعات مهم برای سرمایه‌گذاران مطرح شده، موضوع حاکمیت شرکتی است که به لزوم نظارت بر مدیریت شرکت و به تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و در نهایت حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و ذینفعان می‌پردازد. پیچیدگی‌های مربوط به تضاد منافع مدیران و مالکان از یکسو و اهمیت آثار عملکرد شرکت بر سایر گروه‌های ذینفع از دیگر سو، دیر زمانی است که توجه همگان را به خود جلب کرده است و یافتن الگویی مناسب مشغله جدی بسیاری از افراد شده است. صاحبان نظرات امروزه بهترین راه حل این مشکل را در بهبود حاکمیت شرکتی می‌دانند [۸].

استقلال هیأت مدیره به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند از منافع سهامداران در برابر فرصت‌های احتمالی و اقدامات جعلی مدیریت محافظت کند. با توجه به ادبیات حسابداری اخیر، اگر استقلال هیأت مدیره بالاتر باشد مدیر عامل با دانش مالی، انگیزه بالاتری برای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی دارند زیرا آنها می‌دانند که باید در راستای افزایش ثروت مالکان شرکت حرکت کنند و اعضای غیر موظف نیز بر رفتار مدیر عامل نظارت دارند. هوانگ و ژانگ^۳ (۲۰۱۹) نشان داد که با افزایش استقلال هیأت مدیره، تمایل مدیران با دانش مالی برای اجتناب مالیاتی بیشتر است. در واقع، باید گفت که مدیران غیر موظف نیز تمایل زیادی برای اجتناب مالیاتی دارند. زیرا اجتناب مالیاتی رفتاری قانونی در راستای منافع سهامداران و اعضای هیأت مدیره است که می‌تواند ثروت شرکت را حداکثر کند.

از اینرو مسئله اصلی این تحقیق پاسخ به این سؤال است که دانش مالی مدیرعامل چه تأثیری بر اجتناب مالیاتی دارد؟ همچنین، آیا استقلال هیأت مدیره (به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی نظارتی بر رفتار مدیرعامل) می‌تواند بر رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی اثرگذار باشد؟

۲. پیشینه نظری و تجربی پژوهش

فرضیه پاداش مدیریت پیش‌بینی می‌کند که اگر بر حسب یکی از معیارهای عملکرد، نظیر سود حسابداری به مدیر پاداش داده شود، آن‌گاه وی تلاش خواهد کرد تا از روش‌های حسابداری استفاده کند که سود و در نتیجه پاداش او افزایش یابد. اگر مبالغ پرداختی به مدیر به طور مستقیم بر اساس ارقام حسابداری (مانند سود، فروش، دارایی‌ها) محاسبه شود، هر گونه تغییر در روش‌های حسابداری که شرکت از آنها استفاده می‌کند، ممکن است بر مبالغ پرداختی پاداش مدیر تأثیر گذار باشد. این تغییر ممکن است به واسطه انتشار استانداردهای جدید رخ دهد. بنابراین مدیران در تلاش خواهند بود تا از رویه‌های حسابداری استفاده کنند که موجب افزایش پاداش آنها شود [۹]. یکی از روش‌هایی که مدیریت برای افزایش پاداش خود بکار می‌گیرد، استراتژی‌های اجتناب مالیاتی است [۱۰]. از آنجا که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی تحت تأثیر تصمیمات مدیر عامل شرکت است، لذا به نظر می‌رسد مدیریت برای افزایش پاداش خود، به دنبال افزایش استراتژی‌های اجتناب مالیاتی است [۱۱]. از طرفی، زمانی که مدیرعامل دارای دانش مالی (دارای مدرک حسابداری و مالی) باشد، قدرت بالاتری برای شناسایی رویه‌های اجتناب مالیاتی دارد. روش‌های اجتناب مالیاتی متفاوت است. برای مثال، مدیرعاملی که دارای تخصص مالی باشد می‌تواند از بین سپردهای مالیاتی بدهی (مثل هزینه بهره) و سپردهای مالیاتی غیر بدهی (مثل هزینه مطالبات مشکوک الوصول) بهترین روش را برای کاهش مالیات پرداختی خود انتخاب کند. سیستم حاکمیت شرکتی در یک کشور با تعدادی سازوکار داخلی از جمله ساختار هیأت مدیره، وضعیت اقتصادی، سیستم قانونی، سیاست‌های دولتی و فرهنگ، معین می‌شود. ساختار هیأت مدیره و چارچوب‌های قانونی از اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل سیستم حاکمیت شرکتی هستند. همچنین، سازوکار خارجی از قبیل میزان جریان سرمایه از خارج به داخل، وضعیت اقتصاد جهانی، عرضه سهام در بازار سایر کشورها و سرمایه‌گذاری نهادی بین مرزی، در سیستم حاکمیت شرکتی یک کشور تأثیر دارند [۱۲]. در این پژوهش از استقلال هیأت مدیره به عنوان یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای نظارتی استفاده شده است. مدیران غیرموظف عضو هیئت‌مدیره نسبت به سایر اعضای هیأت مزبور انگیزه قوی‌تری برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرآیند گزارشگری مالی دارند و نظارت بهتر بر کار مدیران اجرایی به حفظ و ارتقای شهرت کاری اعضای غیرموظف هیئت مدیره کمک می‌کند. شواهد تجربی محققان هم‌راستا با پیش‌بینی‌های نظری (برای مثال تئوری نمایندگی) از کاهش معنی‌دار هزینه‌های نمایندگی به واسطه افزایش حضور مدیران غیر موظف در هیأت مدیره حمایت می‌کنند [۱۳].

داوان و همکاران^۴ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بر ریسک ورشکستگی شرکت‌های آمریکایی در سال‌های ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۴ پرداختند. جامعه آماری آن‌ها شامل ۲۵۴۶ مشاهده سال-شرکت بوده است. نتایج پژوهش آن‌ها یک رابطه مثبت بین اجتناب مالیاتی و ریسک ورشکستگی نشان می‌دهد.

چوی و همکاران^۵ (۲۰۲۰) در پژوهشی، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اجتناب مالیاتی با بررسی نقش تعدیلی عدم تقارن اطلاعاتی و حاکمیت شرکتی را بررسی نموده‌اند. دوره آماری پژوهش سال‌های ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۴ و نمونه آماری شامل ۵۲۳۱ مشاهده سال-شرکت در آمریکا بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (حسابداری) بر اجتناب مالیاتی اثر مثبتی دارد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (حسابداری) و اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (حسابداری) و اجتناب مالیاتی هنگامی که حاکمیت شرکتی قوی‌تر است، بیشتر است.

³ Huang & Zhang

⁴ Dhawan et al

⁵ Choi et al

خانولا و مؤثر^۶ (۲۰۱۹) به بررسی اثر تعدیلی اعضای هیأت مدیره بر رابطه بین برنامه ریزی مالیاتی (اجتناب مالیاتی) و ارزش شرکت پرداختند. جامعه آماری شامل ۱۰۵ شرکت اروپایی در سال های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش آن ها نشان داد که استقلال هیأت مدیره و تنوع جنسیتی اعضای هیأت مدیره اثر منفی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت دارد. تیلور و همکاران^۷ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین کارایی سرمایه گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی در شرکت های آمریکایی در سال های ۱۹۶۰-۲۰۱۴ می پردازد. جامعه آماری آن ۶۱۵۴۲ مشاهده سال-شرکت بوده است. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می دهد که بین کارایی سرمایه گذاری نیروی کار و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جیهن و مؤثر^۸ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر تعدیل گر کیفیت حسابداری بر رابطه بین پاداش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی در شرکت های تونس طی سال های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۶ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین پاداش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابداری ارتباط بین پاداش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را تضعیف می کند.

خورانا و همکاران^۹ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی، توانایی مدیریت و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های آمریکایی در طی سال های ۱۹۹۴ الی ۲۰۱۵ پرداختند. جامعه آماری شامل ۲۱۴۰۳۰ مشاهده سال-شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که اجتناب مالیاتی می تواند کارایی سرمایه گذاری را افزایش می دهد. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که توانایی مدیریت می تواند اثر اجتناب مالیاتی بر کارایی سرمایه گذاری را بیشتر کند. اوسی و بولبلا تکتاک^{۱۰} (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی های واحد حسابداری داخلی بر اجتناب مالیاتی در شرکت های تونس در سال های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که صلاحیت واحد حسابداری داخلی و میزان سرمایه گذاری در واحد حسابداری داخلی با اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که تخصص مالی رئیس واحد حسابداری داخلی بر اجتناب مالیاتی اثر مثبت دارد.

طایفه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و تجاری بر اجتناب مالیاتی پرداختند. در این پژوهش برای اندازه گیری عوامل تجاری از شاخص های تمرکز مشتری، راهبرد تجاری، معامله با اشخاص وابسته و تمرکز شرکت، برای سنجش فرهنگ سازمانی از پرسشنامه ارزش های فرهنگی هافستد (۱۹۸۴) و برای آزمون فرضیه ها از تکنیک معادلات ساختاری استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق، شامل ۷۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی آن، طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۱ است. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی و تجاری بر سطح اجتناب مالیاتی اثرگذار است.

شهنوازی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین کیفیت سود و سود تقسیمی سهام پرداخت. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۲۹ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره ی زمانی ۵ ساله بین سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. برای اندازه گیری متغیر کیفیت سود از مدل دیچو و دیچاو (۲۰۰۲) استفاده شده است. روش مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای و برای آزمون فرضیه ها از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. برای اجرای آزمونها و تخمین نهایی مدلها از نرم افزار استاتا نسخه ۱۵ استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین کیفیت سود و سود تقسیمی سهام ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد. استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین کیفیت سود و سود تقسیمی سهام تأثیر مستقیم و معنادار دارد. استقلال هیئت مدیره، ارتباط مستقیم بین کیفیت سود و سود تقسیمی سهام را تشدید می کند.

حاجیان نژاد و دانش سرارودی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر نقد شوندگی و هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی، با توجه به سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ پرداختند. نتایج نشان داد سودآوری، قابلیت تبیین هر یک از متغیرهای نقدشوندگی و هزینه نمایندگی را به عنوان متغیر درون زا دارد و با توجه به نتایج معادلات همزمان، نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی، تأثیر منفی و هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی، تأثیر مثبت داشته است.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش توانایی مدیران در اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند. شاخص های مورد استفاده برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ موثر مالیاتی دفتری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت هستند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران است که طی سال های ۸۷ تا ۹۳ بررسی شده اند. نتایج نشان می دهد بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار استفاده شده برای اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مدیران تواناتر، بیشتر درگیر فعالیتهای اجتناب مالیاتی می شوند که منجر به کاهش پرداخت های مالیات توسط شرکت می گردد. از طرفی، نتایج نشان دهنده این است شرکت هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیتهای اجتناب مالیاتی می شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان می دهد علاوه بر ویژگی های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت موثر است.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط شفافیت گزارشگری مالی و نرخ موثر مالیاتی پرداختند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناخت رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ موثر مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا، از متغیرهای هموارسازی سود، اقلام تعهدی اختیاری، کیفیت افشا و کیفیت حسابداری برای تبیین شفافیت گزارشگری مالی استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۸۱ شرکت

⁶ Khaoula & Moez

⁷ Taylor et al

⁸ Jihene and Moez

⁹ Khurana et al

¹⁰ . Oussii and Taktak

می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون خطی چند متغیره بر اساس روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از این است که هموارسازی سود و ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری دستکاری سود، دارای رابطه مثبت و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی است، کیفیت افشا به عنوان معیاری مستقیم از شفافیت گزارشگری مالی، دارای رابطه منفی و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابداری به عنوان معیاری مستقیم از شفافیت گزارشگری مالی، دارای رابطه منفی و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی است.

شیبانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن سهم بازار شرکت پرداختند. معیار اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی، تفاوت نرخ قانونی و واقعی مالیات شرکت است. نمونه پژوهش شامل ۷۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بوده و داده‌ها با استفاده از رگرسیون تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، ارتباط مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی زمانی برجسته‌تر است که شرکت در صنعتی که فعالیت می‌کند، سهم بازار کمتری داشته باشد.

خواجویی و سروسناتی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی پرداختند. در راستای آزمون تجربی این موضوع، از ۱۳۸ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تأثیرگذاری مثبت هزینه‌های نمایندگی بر اجتناب مالیاتی پشتیبانی می‌کند. پژوهش حاضر می‌تواند به فهم دقیق‌تری از نقش نظریه نمایندگی در چارچوب اجتناب مالیاتی منجر شود و نشان دهد که چگونه مشکلات نمایندگی رویکرد مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

بطور کلی روش تحقیق بر اساس دو مبنای هدف و روش طبقه‌بندی می‌شود. بنا بر ماهیت داده‌ها تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی و پس‌رویدادی (تاریخی) است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده خواهد شد. به منظور انجام پژوهش، داده‌های کمی مورد نیاز از صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار تهران) و سایر گزارش‌های مالی آن‌ها و همچنین سایت کدال استخراج خواهد شد. داده‌ها پس از جمع‌آوری در صفحه گسترده اکسل، مرتب و طبقه‌بندی شده و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار آماری Eviews 10 مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۱.۳. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌اند، که حائز شرایط زیر باشند:

۱. تاریخ پذیرش آنها در بورس قبل از سال ۱۳۹۱ باشد و تا پایان سال ۱۳۹۸ نیز در فهرست بورس اوراق بهادار تهران باشند زیرا داده‌های پژوهش به صورت پنل است.
 ۲. در دوره مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند زیرا سال مالی باید برای تمام مشاهدات همگن باشد.
 ۳. داده‌های مورد نظر این پژوهش برای آنها در دسترس باشد زیرا در صورت نبود داده، امکان تجزیه و تحلیل وجود نخواهد داشت.
 ۴. به منظور تشابه نوع ارقام و طبقه‌بندی آن‌ها در صورتهای مالی، شرکت‌های انتخاب شده تولیدی باشند و جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند؛ زیرا ساختار سرمایه‌ای این گونه شرکت‌ها متفاوت است و ممکن است قابل تعمیم به سایر مؤسسه‌ها نباشد.
 ۵. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- با توجه به شرایط ذکر شده، ۱۴۰ شرکت و تعداد ۱۱۲۰ مشاهده سال-شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ به عنوان جامعه آماری در دسترس انتخاب شد.

۲.۳. مدل و متغیرهای پژوهش

مدل‌های پژوهش به صورت زیر است [۷]:

مدل ۱: آزمون فرضیه اول

$$CETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 FinExpCEO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 PPE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 AGE_{it} + \beta_9 CEOTenure_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۲: آزمون فرضیه دوم

$$CETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 FinExpCEO_{it} + \beta_2 BoardINDP_{it} + \beta_3 (FinExpCEO_{it} \times BoardINDP_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 LOSS_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 MTB_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} CEOTenure_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن‌ها:

$CETR_{it}$: نرخ مؤثر مالیاتی نقدی شرکت i در سال t و معیاری برای محاسبه اجتناب مالیاتی شرکت است. در این پژوهش نرخ مؤثر مالیاتی نقدی از نسبت مالیات نقدی به سود خالص قبل از کسر مالیات بدست خواهد آمد. هر قدر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی کمتر باشد، یعنی شرکت اجتناب مالیاتی بیشتری داشته است. لذا بهتر است در تحلیل های آماری، عدد نرخ مؤثر مالیات نقدی در یک (-1) ضرب شود.

$FinExpCEO_{it}$: یک متغیر مجازی است. اگر مدیر دارای مدرک حسابداری، مدیریت مالی و اقتصاد باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$BoardINDP_{it}$: متغیر بررسی سازوکارهای نظارتی که در این پژوهش از استقلال هیأت مدیره استفاده شده است. استقلال هیأت مدیره برابر است با نسبت تعداد اعضای غیر موظف به کل اعضای هیأت مدیره شرکت i در سال t .

$SIZE_{it}$: لگاریتم طبیعی فروش خالص شرکت i در سال t .

PPE_{it} : نسبت اموال، تجهیزات و ماشین آلات به ارزش دفتری دارایی های شرکت i در سال t .

LEV_{it} : نسبت بدهی به ارزش دفتری دارایی های شرکت i در سال t .

$LOSS_{it}$: یک متغیر مجازی است. اگر شرکت زیان ده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

ROA_{it} : نسبت سود خالص پس از کسر مالیات به ارزش دفتری دارایی های شرکت i در سال t .

MTB_{it} : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام i در سال t .

AGE_{it} : لگاریتم طبیعی عمر شرکت از تاریخ تأسیس شرکت تا دوره تحقیق.

$CEOTenure_{it}$: برابر است با تعداد سال های تصدی پست مدیرعاملی شرکت.

۴. یافته های پژوهش

۱.۴. آمار توصیفی

در جدول ۱، میانگین نرخ مؤثر مالیات نقدی تقریباً $0/137$ میان $0/092$ تا $0/445$ دارای حداقل مقدار 0 و حداکثر مقدار $0/445$ که انحراف معیاری در حدود $0/143$ دارد. این نشان می دهد که میزان مالیات نقدی معادل $13/7$ درصد سود خالص قبل از کسر مالیات بوده است. همچنین، از آنجا که نرخ مالیات قانونی شرکت های بورسی $22/5$ درصد است و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی $13/5$ درصد است که این نشان دهنده استفاده گسترده شرکت های بورسی از فعالیت های اجتناب مالیاتی است. همچنین، میانگین استقلال هیأت مدیره تقریباً $0/638$ میان $0/600$ تا $0/833$ دارای حداقل مقدار $0/142$ و حداکثر مقدار $0/833$ که انحراف معیاری در حدود $0/165$ دارد. این نشان می دهد که حدود $63/8$ درصد از اعضای هیأت مدیره به طور میانگین از اعضای غیرموظف می باشند.

نتایج آمار توصیفی نشان می دهد که میانگین نسبت دارایی های ثابت به دارایی ها تقریباً $0/251$ میان $0/206$ تا $0/289$ دارای حداقل مقدار $0/107$ و حداکثر مقدار $0/289$ که انحراف معیاری در حدود $0/179$ دارد. این نشان می دهد که به طور میانگین، دارایی های ثابت معادل $25/1$ درصد ارزش دفتری دارایی ها بوده است. میانگین اهرم مالی (نسبت بدهی به دارایی) تقریباً $0/644$ میان $0/654$ تا $0/179$ دارای حداقل مقدار $0/179$ و حداکثر مقدار $0/905$ که انحراف معیاری در حدود $0/191$ دارد. این نشان می دهد که به طور متوسط، بدهی ها معادل $64/4$ درصد ارزش دفتری دارایی ها بوده است. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که میانگین نرخ بازده دارایی ها (نسبت سود خالص پس از کسر مالیات به دارایی) تقریباً $0/064$ میان $0/060$ تا $0/472$ دارای حداقل مقدار $0/060$ و حداکثر مقدار $0/472$ که انحراف معیاری در حدود $0/157$ دارد. این نشان می دهد که به طور متوسط، بدهی ها معادل $6/4$ درصد ارزش دفتری دارایی ها بوده است.

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که میانگین رشد شرکت (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) تقریباً $4/654$ میان $2/838$ تا $17/865$ دارای حداقل مقدار $1/252$ و حداکثر مقدار $17/865$ که انحراف معیاری در حدود $4/480$ دارد. این نشان می دهد که به طور متوسط، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام معادل $4/6$ برابر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بوده است. همچنین، میانگین دوره تصدی مدیرعامل تقریباً $3/445$ میان $3/795$ تا $4/248$ دارای حداقل مقدار $2/708$ و حداکثر مقدار $4/248$ که انحراف معیاری در حدود $0/335$ دارد. این نشان می دهد که مدت تصدی پست مدیرعاملی در شرکت های مورد بررسی به طور متوسط حدود 3 سال بوده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| نام متغیر | نماد | میانگین | میان | انحراف معیار | حداقل | حداکثر |
|--|------------------|----------|----------|--------------|----------|----------|
| نرخ مؤثر مالیاتی نقدی | $CETR_{it}$ | $0/137$ | $0/092$ | $0/143$ | 0 | $0/445$ |
| استقلال هیأت مدیره | $BoardINDP_{it}$ | $0/638$ | $0/600$ | $0/165$ | $0/142$ | $0/833$ |
| اندازه شرکت | $SIZE_{it}$ | $13/920$ | $13/936$ | $1/563$ | $2/564$ | $19/566$ |
| اموال، تجهیزات و ماشین آلات به کل دارایی ها | PPE_{it} | $0/251$ | $0/206$ | $0/179$ | $0/107$ | $0/289$ |
| اهرم مالی | LEV_{it} | $0/644$ | $0/654$ | $0/191$ | $0/179$ | $0/905$ |
| نرخ بازده دارایی ها | ROA_{it} | $0/064$ | $0/060$ | $0/157$ | $-0/548$ | $0/472$ |
| نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام | MTB_{it} | $4/653$ | $2/838$ | $4/480$ | $1/252$ | $17/865$ |
| لگاریتم طبیعی عمر شرکت | AGE_{it} | $3/695$ | $3/795$ | $0/335$ | $2/708$ | $4/248$ |
| دوره تصدی مدیرعامل | $CEOTenure_{it}$ | $3/445$ | 3 | $2/270$ | 1 | 13 |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

طبق جدول ۲، در بررسی مشخص شد که از ۱۱۲۰ مشاهده، حدود ۲۱ درصد (یعنی ۲۳۶ مشاهده سال-شرکت) دارای مدیرعامل با تخصص مالی (دانش مالی) بوده‌اند. همچنین، ۲۲ درصد از مشاهدات در طول دوره مورد بررسی زیان خالص گزارش نموده‌اند که معادل ۲۴۵ مشاهده سال-شرکت بوده است.

جدول ۲. نتایج گروه بندی متغیرهای مجازی پژوهش

| نام متغیر | نماد | شرط | تعداد | درصد |
|-----------------------|-------------------------|---------|-------|------|
| | | دارد=۱ | ۲۳۶ | ۲۱٪ |
| دانش مالی مدیرعامل | FinExpCEO _{it} | ندارد=۰ | ۸۸۴ | ۷۹٪ |
| | | کل | ۱۱۲۰ | ۱۰۰٪ |
| | | دارد=۱ | ۲۴۵ | ۲۲٪ |
| متغیر مجازی زیان خالص | LOSS _{it} | ندارد=۰ | ۸۷۵ | ۷۸٪ |
| | | کل | ۱۱۲۰ | ۱۰۰٪ |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

۲.۴. آزمون ریشه واحد (مانایی متغیرها)

در داده‌های سری زمانی معمولاً از آزمون‌هایی همچون دیکی- فولر و دیکی - فولر تعمیم یافته برای بررسی مانایی متغیرها (آزمون ریشه واحد) استفاده می‌شود. با این حال در مورد داده‌های پنل نمی‌توان برای بررسی مانایی متغیرها از چنین آزمون‌هایی استفاده نمود بلکه لازم است به نحوی مانایی جمعی متغیرها آزمون شود. برای این منظور باید از آزمون ایم، پسران و شین استفاده شود. طبق این آزمون بایستی برای برقراری این فرض سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد. همانگونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد، سطح معناداری و آماره t مربوط به متغیرهای پژوهش بیانگر مانایی متغیرهای تحقیق می‌باشد.

جدول ۳. نتیجه آزمون ایم، پسران و شین متغیرهای اصلی پژوهش

| نام متغیر | نماد | آماره t | سطح معناداری | نتیجه‌ی آزمون |
|--|---|-----------|--------------|------------------|
| نرخ مؤثر مالیاتی نقدی | CETR _{it} | -۱۵/۳۶۹ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| دانش مالی مدیرعامل | FinExpCEO _{it} | -۱۳/۶۱۳ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| استقلال هیأت مدیره | BoardINDP _{it} | -۱۱/۴۳۶ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| دانش مالی مدیرعامل*استقلال هیأت مدیره | FinExpCEO _{it} × BoardINDP _{it} | -۱۳/۷۱۵ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| اندازه شرکت | SIZE _{it} | ۹/۵۲۰ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات به کل دارایی‌ها | PPE _{it} | -۱۱/۰۸۸ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| اهرم مالی | LEV _{it} | -۱۱/۹۳۶ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| متغیر مجازی زیان خالص | LOSS _{it} | -۱۴/۸۱۶ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| نرخ بازده دارایی‌ها | ROA _{it} | -۱۶/۱۰۰ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام | MTB _{it} | -۸/۰۵۲ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| لگاریتم طبیعی عمر شرکت | AGE _{it} | -۸/۳۸۹ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |
| دوره تصدی مدیرعامل | CEOTenure _{it} | -۷/۲۴۷ | ۰/۰۰۰ | متغیرها مانا است |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

۳.۴. بررسی خودهمبستگی متغیرهای پژوهش

برای بررسی خود همبستگی خطاهای مدل از آزمون بروش گادفری استفاده می‌شود. نتایج این آزمون که در جدول ۴ آورده شده است و نشان می‌دهد که در آزمون مدل‌های پژوهش مشکل خودهمبستگی وجود ندارد زیرا سطح معناداری بالای ۵٪ است. لذا این فرض برقرار است.

جدول ۴. آزمون بروش گادفری برای بررسی وجود خود هم بستگی

| مدل | نوع آزمون | آماره‌ی کای دو | سطح معناداری | دوربین واتسون | نتیجه‌ی آزمون |
|-----|---------------------------------|----------------|--------------|---------------|------------------------|
| ۱ | بررسی خودهمبستگی متغیرهای پژوهش | ۱/۴۲۵ | ۰/۲۱۵ | ۱/۵۵۸ | خودهمبستگی وجود ندارد. |
| ۲ | بررسی خودهمبستگی متغیرهای پژوهش | ۱/۴۴۷ | ۰/۲۰۹ | ۱/۵۶۳ | خودهمبستگی وجود ندارد. |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

۴.۴. آزمون همخطی متغیرهای پژوهش

یکی از مهمترین مفروضات زیربنایی در رگرسیون تابلویی (پانلی)، نبودن همخطی در میان متغیرهای مستقل پژوهش است که در این پژوهش از آماره عامل تورم واریانس^{۱۱} استفاده می‌شود.

جدول ۵. نتیجه آزمون هم خطی بین متغیرها با آزمون VIF (عامل تورم واریانس)

| نام متغیر | نماد | مدل (۱) | مدل (۲) | نتیجه‌ی آزمون |
|--|---|---------|---------|------------------|
| دانش مالی مدیرعامل | FinExpCEO _{it} | ۱/۰۳۵ | ۱/۰۵۰ | همخطی وجود ندارد |
| استقلال هیأت مدیره | BoardINDP _{it} | - | ۱/۳۰۹ | همخطی وجود ندارد |
| دانش مالی مدیرعامل «استقلال هیأت مدیره | FinExpCEO _{it} × BoardINDP _{it} | - | ۱/۰۳۶ | همخطی وجود ندارد |
| اندازه شرکت | SIZE _{it} | ۱/۱۱۹ | ۱/۱۲۱ | همخطی وجود ندارد |
| اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات به کل دارایی‌ها | PPE _{it} | ۱/۰۸۴ | ۱/۰۸۷ | همخطی وجود ندارد |
| اهرم مالی | LEV _{it} | ۱/۷۱۴ | ۱/۷۱۵ | همخطی وجود ندارد |
| متغیر مجازی زبان خالص | LOSS _{it} | ۱/۹۳۹ | ۱/۹۴۰ | همخطی وجود ندارد |
| نرخ بازده دارایی‌ها | ROA _{it} | ۲/۵۲۴ | ۲/۵۳۲ | همخطی وجود ندارد |
| نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام | MTB _{it} | ۱/۰۸۱ | ۱/۰۸۱ | همخطی وجود ندارد |
| لگاریتم طبیعی عمر شرکت | AGE _{it} | ۱/۰۴۱ | ۱/۰۷۷ | همخطی وجود ندارد |
| دوره تصدی مدیرعامل | CEOTenure _{it} | ۱/۰۱۲ | ۱/۰۱۲ | همخطی وجود ندارد |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی عامل تورم واریانس مدل‌های پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود عامل تورم واریانس کلیه متغیرها کمتر از ۵ می‌باشد و نشان می‌دهد مشکل همبستگی چندخطی وجود ندارد. به عبارتی، می‌توان ادعا کرد که با توجه به نتایج این فرض، رگرسیون پژوهش کاذب نیست. لذا این فرض کلاسیک رگرسیون (عدم وجود همخطی میان متغیرهای مستقل پژوهش) برقرار است.

۵.۴. آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از آزمون‌های اصلی و قابل اتکا در تحقیقات حسابداری و مالی، آزمون وایت^{۱۲} است. طبق نتایج جدول ۶ چون سطح معناداری زیر ۵ درصد است، لذا ناهمسانی واریانس وجود دارد. لذا باید از روش رگرسیون تعمیم‌یافته در مدل‌های پژوهش استفاده گردد. در این پژوهش نیز از این روش بهره گرفته شده است.

جدول ۶. نتیجه آزمون وایت در سطح خطای ۵٪

| مدل | نوع آزمون | آماره‌ی F | سطح معناداری | نتیجه‌ی آزمون |
|-----|------------------------|-----------|--------------|-----------------------------|
| ۱ | بررسی ناهمسانی واریانس | ۷/۱۱۱ | ۰/۰۰۰ | ناهمسانی واریانس وجود دارد. |
| ۲ | بررسی ناهمسانی واریانس | ۵/۳۳۷ | ۰/۰۰۰ | ناهمسانی واریانس وجود دارد. |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

¹¹ Variance Inflation Factor (VIF)

¹² White test

۶.۴. آزمون F لیمر (چاو) و هاسمن

آزمون F لیمر بیانگر این مطلب است که در سطح خطای ۵ درصد ما بین روش رگرسیون پانلی یا تابلویی (Panel) و تلفیقی (Pooling)، باید از روش رگرسیون تابلویی استفاده شود ($p < 0.001$). همانطور که در جدول ۷ ملاحظه می‌گردد با توجه به اینکه سطح معناداری زیر ۵ درصد است، لذا باید از روش تابلویی (پانلی) برای مدل‌های پژوهش استفاده کرد.

جدول ۷. نتیجه آزمون چاو (F لیمر)

| مدل | نوع آزمون | آماره F | سطح معناداری | نتیجه‌ی آزمون |
|-----|------------------------------|---------|--------------|-------------------------------|
| ۱ | انتخاب روش تابلویی یا تلفیقی | ۲/۱۵۸ | ۰/۰۰۰ | روش تابلویی (Panel) ارجح است. |
| ۲ | انتخاب روش تابلویی یا تلفیقی | ۲/۰۶۵ | ۰/۰۰۰ | روش تابلویی (Panel) ارجح است. |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

حال می‌بایست، بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی با استفاده از آزمون هاسمن مدل مناسب‌تر انتخاب شود. اگر سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد روش اثرات ثابت و اگر بالای ۵ درصد باشد روش اثرات تصادفی ارجح است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۸ و نتایج حاصل از آزمون چاو و هاسمن، روش تابلویی اثرات ثابت برای مدل‌های پژوهش مناسب‌تر است.

جدول ۸. نتیجه آزمون هاسمن

| مدل | نوع آزمون | آماره F | سطح معناداری | نتیجه‌ی آزمون |
|-----|---------------------------------|---------|--------------|--|
| ۱ | انتخاب روش اثرات ثابت یا تصادفی | ۶۶/۱۴۳ | ۰/۰۰۰ | روش اثرات ثابت (Fix Effects) ارجح است. |
| ۲ | انتخاب روش اثرات ثابت یا تصادفی | ۶۷/۰۶۳ | ۰/۰۰۰ | روش اثرات ثابت (Fix Effects) ارجح است. |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

۷.۴. بررسی نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که «بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد». در جدول ۹، ضریب متغیر دانش مالی مدیرعامل ($FinExpCEO_{it}$) معادل ۰/۱۲۸ و آماره t معادل ۵/۰۲۸ می‌باشد که در سطح (۰/۰۰۰) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج جدول ۹ نشان داد که بین متغیر کنترلی اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات (PPE_{it}) و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین متغیرهای اهرم مالی (LEV_{it})، متغیر مجازی زبان خالص ($LOSS_{it}$)، نرخ بازده دارایی‌ها (ROA_{it})، عمر شرکت (AGE_{it}) و دوره تصدی مدیرعامل ($CEOTenure_{it}$) با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش رابطه معناداری بین متغیرهای اندازه شرکت ($SIZE_{it}$) و رشد شرکت (MTB_{it}) با اجتناب مالیاتی نشان نمی‌دهد. همچنین، میزان آماره F (فیشر) ۲۲/۳۷۶ و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) است و چون میزان سطح معناداری زیر خطای ۵٪ است، لذا مدل رگرسیونی خطی چندگانه معنادار است. همچنین، میزان ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۴۶ است. ضریب تعیین تعدیل شده، ضریبی است که نمایانگر میزان تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی است و مقدار آن بین صفر و یک است. این نشان می‌دهد که حدود ۱۴٫۶ درصد تغییرات اجتناب مالیاتی توسط متغیر مستقل (دانش مالی مدیرعامل) و متغیرهای کنترلی تبیین شده است.

جدول ۹. نتایج آزمون آماری فرضیه اول پژوهش

| نام متغیر | نماد | ضرایب | خطای استاندارد | آماره t | سطح معناداری |
|---|------------------|---------|----------------|---------|--------------|
| عرض از مبدأ | C | ۰/۲۴۰- | ۰/۰۴۵ | ۵/۲۷۳- | ۰/۰۰۰ |
| دانش مالی مدیرعامل | $FinExpCEO_{it}$ | ۰/۱۲۸ | ۰/۰۲۵ | ۵/۰۲۸ | ۰/۰۰۰ |
| اندازه شرکت | $SIZE_{it}$ | ۰/۰۰۰۸ | ۰/۰۰۲ | ۰/۴۱۲ | ۰/۶۸۰ |
| اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات به کل دارایی‌ها | PPE_{it} | ۰/۰۴۲- | ۰/۰۱۹ | ۲/۱۶۸- | ۰/۰۳۰ |
| اهرم مالی | LEV_{it} | ۰/۰۵۲ | ۰/۰۱۶ | ۳/۱۱۹ | ۰/۰۰۱ |
| متغیر مجازی زبان خالص | $LOSS_{it}$ | ۰/۱۵۶ | ۰/۰۱۱ | ۱۳/۲۰۵ | ۰/۰۰۰ |
| نرخ بازده دارایی‌ها | ROA_{it} | ۰/۱۸۷ | ۰/۰۳۱ | ۶/۰۲۳ | ۰/۰۰۰ |
| ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام | MTB_{it} | ۰/۰۰۰۷- | ۰/۰۰۰۷ | ۰/۹۶۰- | ۰/۳۳۷ |

| | | | | | |
|----------------------|-------|--------|-------|-------------------------|------------------------|
| ۰/۰۴۵ | ۱/۹۹۹ | ۰/۰۰۹ | ۰/۰۱۹ | AGE _{it} | لگاریتم طبیعی عمر شرکت |
| ۰/۰۰۰ | ۳/۸۶۹ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۴ | CEOTenure _{it} | دوره تصدی مدیرعامل |
| آماره دوربین واتسون | | ۰/۱۴۶ | | ضریب تعیین تعدیل شده | |
| سطح معناداری آماره F | | ۲۲/۳۷۶ | | F آماره | |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

۸.۴. بررسی نتایج آزمون دوم پژوهش

فرضیه دوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «استقلال هیأت مدیره اثر مثبتی بر رابطه بین دانش مالی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی دارد». در جدول ۱۰، ضریب متغیر دانش مالی مدیرعامل در استقلال هیأت مدیره (FinExpCEO_{it} × BoardINDP_{it}) معادل ۰/۱۸۶ و آماره t معادل ۲/۱۵۸ می‌باشد که در سطح (۰/۰۳۱) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۰/۵) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که استقلال هیأت مدیره اثر مثبتی بر رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی دارد. نتایج جدول ۱۰ نیز نشان داد که بین متغیر کنترلی اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات (PPE_{it}) و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین متغیرهای اهرم مالی (LEV_{it})، متغیر مجازی زیان خالص (LOSS_{it})، نرخ بازده دارایی‌ها (ROA_{it})، عمر شرکت (AGE_{it}) و دوره تصدی مدیرعامل (CEOTenure_{it}) با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش رابطه معناداری بین متغیرهای اندازه شرکت (SIZE_{it}) و رشد شرکت (MTB_{it}) با اجتناب مالیاتی نشان نمی‌دهد. همچنین، میزان آماره F (فیشر) ۱۹/۰۵۲ و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) است و چون میزان سطح معناداری زیر خطای ۵٪ است، لذا مدل رگرسیونی خطی چندگانه معنادار است. همچنین، میزان ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۵۰ است. ضریب تعیین تعدیل شده، ضریبی است که نمایانگر میزان تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی است و مقدار آن بین صفر و یک است. این نشان می‌دهد که حدود ۱۵ درصد تغییرات اجتناب مالیاتی توسط متغیر مستقل (دانش مالی مدیرعامل)، تعدیل‌گر (استقلال هیأت مدیره) و متغیرهای کنترلی تبیین شده است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون آماری فرضیه دوم پژوهش

| نام متغیر | نماد | ضریب | خطای استاندارد | آماره t | سطح معناداری |
|---|---|---------|----------------|---------|----------------------|
| عرض از مبدأ | C | -۰/۲۹۸ | ۰/۰۵۰ | -۵/۹۷۵ | ۰/۰۰۰ |
| دانش مالی مدیرعامل | FinExpCEO _{it} | ۰/۱۲۴ | ۰/۰۳۱ | ۳/۹۳۵ | ۰/۰۰۱ |
| استقلال هیأت مدیره | BoardINDP _{it} | ۰/۰۷۰ | ۰/۰۲۱ | ۳/۲۶۷ | ۰/۰۰۱ |
| دانش مالی مدیرعامل × استقلال هیأت مدیره | FinExpCEO _{it} × BoardINDP _{it} | ۰/۱۸۶ | ۰/۰۸۶ | ۲/۱۵۸ | ۰/۰۳۱ |
| اندازه شرکت | SIZE _{it} | -۰/۰۰۲ | ۰/۰۰۲ | -۰/۱۱۸ | ۰/۹۰۵ |
| اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات به کل دارایی‌ها | PPE _{it} | -۰/۰۵۱ | ۰/۰۱۹ | -۲/۶۴۷ | ۰/۰۰۸ |
| اهرم مالی | LEV _{it} | ۰/۰۲۷ | ۰/۰۱۰ | ۲/۶۳۶ | ۰/۰۰۸ |
| متغیر مجازی زیان خالص | LOSS _{it} | ۰/۱۵۵ | ۰/۰۱۱ | ۱۳/۰۳۷ | ۰/۰۰۰ |
| نرخ بازده دارایی‌ها | ROA _{it} | ۰/۱۸۶ | ۰/۰۳۰ | ۶/۰۶۶ | ۰/۰۰۰ |
| ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام | MTB _{it} | -۰/۰۰۰۸ | ۰/۰۰۰۷ | -۱/۰۹۶ | ۰/۲۷۴ |
| لگاریتم طبیعی عمر شرکت | AGE _{it} | ۰/۰۱۹ | ۰/۰۰۹ | ۲/۰۸۱ | ۰/۰۳۷ |
| دوره تصدی مدیرعامل | CEOTenure _{it} | ۰/۰۰۴ | ۰/۰۰۱ | ۳/۵۸۹ | ۰/۰۰۰ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۱۵۰ | | | آماره دوربین واتسون |
| F آماره | | ۱۹/۰۵۲ | | | سطح معناداری آماره F |

منبع جدول: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر استقلال هیئت مدیره پرداخته است؛ بدین منظور، دو فرضیه در این پژوهش مطرح شد که براساس نتایج آزمون‌ها به تفسیر و نتیجه‌گیری فرضیات پرداخته می‌شود. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است که با اعمال محدودیتهایی تعداد ۱۴۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و طی دوره زمانی ۸ ساله (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸) مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. تحلیل یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات تحقیق در نرم افزار ایویوز بررسی شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که بین

دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که مدیرعامل آن‌ها دارای تخصص مالی (مدیر حسابداری مدیریت مالی و حسابرسی) بوده است، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بالاتر بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد مدیران به دنبال کاربرد رویه‌هایی هستند تا ضمن جلوگیری از خروج بدون فایده منابع شرکت، ثروت سهامداران را افزایش دهند. یکی از راه‌هایی که مدیران می‌توانند علاوه بر افزایش ثروت سهامداران، منافع خود را نیز بیشتر کنند، اجتناب مالیاتی است. مدیرانی که دارای دانش مالی هستند قدرت بیشتری برای شناسایی فرصت‌های اجتناب مالیاتی دارند. لذا فرضیه اول در جهت مثبت تأیید و نتایج آن با پژوهش هوانگ و ژانگ (۲۰۱۹) نیز مطابقت دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان داد که استقلال هیأت مدیره اثر مثبتی بر رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی دارد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که اعضای مستقل هیأت مدیره آن‌ها بیشتر بوده است، میزان اثر پذیری دانش مالی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی بیشتر است. این نتیجه نشان می‌دهد اگر استقلال هیأت مدیره بالاتر باشد مدیر عامل با دانش مالی، انگیزه بالاتری برای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی دارند زیرا آنها می‌دانند که باید در راستای افزایش ثروت مالکان شرکت حرکت کنند و اعضای غیر موظف نیز بر رفتار مدیر عامل نظارت دارند. در واقع، باید گفت که مدیران غیر موظف نیز تمایل زیادی برای اجتناب مالیاتی دارند. زیرا اجتناب مالیاتی رفتاری قانونی در راستای منافع سهامداران و اعضای هیأت مدیره است که می‌تواند ثروت شرکت را حداکثر کند. لذا فریه دوم در جهت مثبت تأیید می‌شود و نتایج آن با پژوهش هوانگ و ژانگ (۲۰۱۹) نیز مطابقت دارد.

با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی و اعضای هیأت مدیره پیشنهاد می‌شود که به این مهم توجه داشته باشند در شرکت‌هایی که مدیرعامل آن‌ها دارای دانش مالی بوده است، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بیشتر بوده است. لذا به دلیل مزایای مالیاتی مدیران دارای دانش مالی، شرکت‌ها را در استخدام مدیران دارای تخصص مالی تحت فشار قرار دهند. همچنین، به اداره مالیاتی پیشنهاد می‌شود که به این مهم توجه کنند که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که مدیران آن‌ها دارای تخصص مالی بوده‌اند، بیشتر است. لذا در ممیزان مالیاتی در تصمیمات مالیاتی خود به این مهم توجه داشته باشند. همچنین به مدیران، اعضای هیأت مدیره و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که به این مهم توجه داشته باشند در شرکت‌هایی که مدیران غیر موظف بیشتر بوده است، مدیرعامل انگیزه بیشتری برای انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی داشته است. لذا نسبت به افزایش تعداد اعضای غیر موظف اقدام شود. همچنین، به ممیزان مالیاتی پیشنهاد می‌شود که در تصمیمات مالیاتی خود حساسیت بیشتری نسبت به شرکت‌هایی که اعضای غیرموظف بیشتری دارند، داشته باشند.

منابع

- [1] حسنی، م.، شفیعی، س. (۱۳۸۹). تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه های مشاغل و اشخاص حقوقی. پژوهشنامه مالیات، ۱۸(۸)، ۱۲۵-۱۵۲.
- [2] Desai, M.A., Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm Value. Review of Economics and Statistics, 91, 537-546.
- [3] Armstrong, C., Blouin, J., Jagolinzer, A., & Larcker, D. (2015). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. Journal of Accounting and Economics, 60(1), 1-17.
- [4] Desai, M.A., & Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. Review of Economics and Statistics, 91(3), 537-546..
- [5] Biddle, G. C., & Hilary, G. (2006). Accounting Quality and Firm-level Capital Investment. The Accounting Review, 81(5), 963-982.
- [6] Dyreng, S.D., Hanlon, M., & Maydew, E.L., (2010). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. The Accounting Review 85, 1163-1189.
- [7] Huang, H., & Zhang, W. (2019). Financial expertise and corporate tax avoidance. Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics, DOI:10.1080/16081625.2019.1566008.
- [8] Minnick, K., & Noga, T. (2010). Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management?. Journal of Corporate Finance 16: 703-718. doi:10.1016/j.jcorpfin.2010.08.005
- [9] Conyon, M. J. & He, L. (2016). Executive Compensation and Corporate Fraud in China. Journal of Business Ethics, 134(4), 669-691.
- [10] Jihene, F., & Moez, D. (2019). The Moderating Effect of Audit Quality on CEO Compensation and Tax Avoidance: Evidence from Tunisian Context. International Journal of Economics and Financial Issues, 9(1), 131-139.
- [11] Chee, S., Choi, W., & Shin, J. (2017). The non-linear relationship between CEO compensation incentives and corporate tax avoidance. The Journal of Applied Business Research, 33(3), 439-450.
- [12] Chen, G., Datar, S.M., Foster, G., Rajan, M., & Ittner, C.D. (2016). Ownership structure, corporate governance, and fraud: evidence from China. Journal of Corporate Finance 12, 424- 448.
- [13] Duppati, G., Sune, A., & Samanta, N. (2017). Corporate governance, research and development volatility and firm performance - Evidence from Spain and Ireland. Cogent Economics & Finance, 5, 1317117.
- [14] Dhawan, A., Ma, L., & Kim, M. H. (2020). Effect of corporate tax avoidance activities on firm bankruptcy risk. Journal of Contemporary Accounting & Economics, 16(2), 100-187.
- [15] Choi, J. P., Furusawa, T., & Ishikawa, J. (2020). Transfer pricing regulation and tax competition. Journal of International Economics, 127, 1-5. https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2020.103367
- [16] Khaoula, F., & Moez, D. (2019). The moderating effect of the board of directors on firm value and tax planning: Evidence from European listed firms. Borsa Istanbul Review, Available online at: http://www.elsevier.com/journals/borsa-istanbul-review/2214-8450.
- [17] Taylor, G., Al-Hadi, A., Richardson, G., & Alfarhan, U. (2019). Is there a relation between labor investment inefficiency and corporate tax avoidance?, Economic Modelling, 22(4), 1-17.
- [18] KHURANA, I., MOSER, W., & RAMAN, K. (2018). Tax Avoidance, Managerial Ability, and Investment Efficiency. Accounting Foundation, The University of Sydney.
- [19] Oussii, A. A., & Boullila Taktak, N. (2018). Audit committee effectiveness and financial reporting timeliness. African Journal of Economic and Management Studies, 9(1), 34-55. doi:https://doi.org/10.1108/AJEMS-11-2016-0163
- [۲۰] طایفه، س.، دستگیر، م.، رضایی، ف.، و احمدی، س. ع. (۱۳۹۸). تاثیر عوامل فرهنگی و تجاری بر اجتناب مالیاتی شرکتی. فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، ۱۳۹۸(۳۸)، ۳۱-۴۱.
- [۲۱] شهنازی، ع. (۱۳۹۸). تاثیر استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین کیفیت سود و سود تقسیمی سهام. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۲(۱۶)، ۷۳-۸۶.

- [۲۲] حاجیان‌نژاد، ا. و دانش سرارودی، س. ر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری. مجله دانش حسابداری، ۱۰(۱)، ۱۱۵-۱۳۶.
- [۲۳] آقایی، م. ع.، حسنی، ح. و باقری، ح. (۱۳۹۷). نقش توانایی مدیران در اجتناب مالیاتی شرکت، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۵۷، ۲۴-۴۷.
- [۲۴] حساس یگانه، ی.، بهشور، ا. و شکری کیانی، م. (۱۳۹۷). رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ موثر مالیاتی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۰(۳۸)، ۱-۳۰.
- [۲۵] شبیانی تدرجی، ع.، خدای پور، ا. و پورحیدری، ا. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تمرکز بر مشتری بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن سهم بازار شرکت، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲، ۲۱۵-۲۳۲.
- [۲۶] خواجهی، ش. و سروستانی، ا. (۱۳۹۶). اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی، حسابداری مدیریت، ۳۴، ۱۵-۲۸.